

بررسی جامع
وزن شعر فارسی
(مرفعی، اصول، انواع، روشها، مثالها و مسائل)

دکتر عبدالخالق پرهیزی
عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور



انتشارات فردوس

سرشناسه : پرهیزی عبدالخالق، ۱۳۴۱-
 عنوان و پدیدآور : بررسی جامع وزن شعر فارسی (مبانی، اصول، انواع، روشها، منشأ و مسائل) / عبدالخالق پرهیزی
 مشخصات نشر : تهران: فردوس ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری : ۲۵۲ ص.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۳۲۰-۵۹۴-۲
 وضعیت فهرست نویسی : فیفا (فهرست نویسی پیش از انتشار)
 موضوع : فارسی - وزن شعر و نثر / Persian Language--Rhythm
 موضوع : عروض فارسی / Persian Language—Versification
 رده بندی کنگ : ۱۳۹۶ ۴ب۴پ/۳۵۶۵ PIR
 رده بندی دیه‌ئی : ۸۱۰/۴۱
 شماره کتابخانه ملی : ۴۸۲۲۱۷



نشر فرهنگ روز



انتشارات فردوس

خیابان دانشگاه - کوچه میترا - شماره ۷ - واحد ۱ - تلفن: ۶۶۴۱۸۸۳۹ - ۶۶۴۶۹۳۳۸

بررسی جامع وزن شعر فارسی

دکتر عبدالخالق پرهیزی

Mandir1341@gmail.com

ناشر: انتشارات فردوس

ناشر همکار: نشر فرهنگ روز

چاپ اول: تهران ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۲۰-۵۹۴-۲

(ISBN: 978-964-320-594-2)

همه حقوق محفوظ است.

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۵	فهرست مطالب
۹	مقدمه چاپ دوم
۱۱	پیشگفتار: سخنی با مدرسین عروض
۱۵	فصل اول: مبانی آواشناختی عروض فارسی
۱۷	چگونگی مطابقت روف ابیای فارسی با واجهای این زبان
۲۰	اقسام هجای رسمی - لحاظ امتداد
۲۱	آواهای زیرنحیری
۲۴	دستورونهای آوانی رجحیه - ستاره زنی فارسی (قواعد تقطیع عروضی)
۲۴	یک - فرآیندهای آوانی
۲۸	علامت تقطیع هجایی
۳۳	نقش آواهای زیرنحیری در وزن شعر فارسی
۳۶	دو - اختیارات شاعری
۴۶	سه - ناچاریهای وزن
۴۸	گونههای زبان و تصرف در لفظ
۵۰	قواعد بعضی از دو گونهگیهای زبان فارسی
۶۹	فصل دوم: مبانی سنتی عروض فارسی
۷۰	ارکان عروضی
۷۱	اجزای عروضی
۷۲	بحور شعر فارسی
۷۳	بحور متفق الارکان
۷۴	بحور مختلف الارکان
۷۵	زحافات
۷۷	فصل سوم: پرکاربردترین اوزان شعر فارسی
۷۷	طبقه‌بندی اوزان عروضی شعر فارسی
۷۹	۱ - اوزان پرکاربرد:
۸۰	۲ - اوزان متوسط کاربرد:
۸۱	۳ - اوزان کم کاربرد:
۸۴	۴ - اوزان مهجور:
۸۴	فهرست اوزان نادر

۸۷	ازاحیف مستعمل در اوزان پر کاربرد و رایج
۹۱	چندگونگی در تقطیع و نامگذاری بعضی از اوزان
۹۲	فهرست اوزان چند وجهی
۹۳	میزان کاربرد بحور شعر فارسی
۹۶	وضعیت بحور پر کاربرد شعر عربی در شعر فارسی
۹۹	فصل چهارم: دوایر عروض فارسی
۱۰۲	فواید طبقه‌بندی بحور در دوایر
۱۰۷	فصل پنجم: چند مبحث دیگر از علم عروض
۱۰۷	وزن رباعی و دوبیتی (ترانه)
۱۰۷	انشائات و گونه‌های مختلف وزن رباعی
۱۰۸	تقطیع وزن رباعی
۱۰۸	شجره‌اخراب:
۱۰۹	دردار شجره‌اخراب:
۱۰۹	۲- شجره‌اخرام
۱۱۰	نمودار شجره‌اخرام
۱۱۰	فرمول کلی وزن رباعی
۱۱۱	اوزان دوری
۱۱۳	اوزان دوری مکرر
۱۱۳	دوبحرین و ملون
۱۱۷	فصل ششم: وزن شعر نو فارسی (وزن نیمایی)
۱۲۹	فصل هفتم: انواع وزن شعر
۱۳۲	تحويل در وزن شعر یک زبان
۱۳۵	فصل هشتم: وزن شعر عامیانه فارسی
۱۳۳	وزن شعر عامیانه فارسی در شعر رسمی معاصر
۱۵۱	فصل نهم: منشأ وزن شعر فارسی
۱۶۴	وزن شعر کردی
۱۶۷	مبانی و اصول و قواعد وزن هجایی
۱۷۵	فصل دهم: ضمانت
۱۷۵	ضمیمه شماره ۱: فرایندهای آوایی ناشی از تلاقی دو مصوت
۱۹۵	ضمیمه شماره ۲: جدول ازاحیف عروضی و طرز تهیه و تلخیص آن
۱۹۵	جدول ازاحیف عروضی
۲۰۵	ضمیمه شماره ۳: فهرست بسامدی اوزان عروضی در مجموعه اشعار ۵۸ شاعر پارسی‌گو
۲۱۳	ضمیمه شماره ۴: تمرینات
۲۲۶	شواهد و امثله جهت تمرین بیشتر
۲۲۶	شواهد اوزان پر کاربرد
۲۳۲	شواهد اوزان متوسط کاربرد

شواهد اوزان نادر ۲۲۱

فهرست اهم منابع و مآخذ ۲۴۶

مقدمه چاپ دوم

مطالب این کتاب ابتدا طی سالهای هفتاد و پنج تا هفتاد و هفت بنا به درخواست دانشجویان رشته ادبیات فارسی دانشگاه کردستان به صورت جزوه درسی تهیه و ارائه و کم کم به کمک خود دانشجویان تکمیل شد. در سال هفتاد و هفت در یک شرایط جهنمی که عارض زندگی خصوصی من بود، آن را بطور شتابزده تحت عنوان «عروض نوین فارسی» رای چاپ آماده کردم و به انتشارات ققنوس سپردم اما در مرحله بازبینی نهایی کتاب از پیگیری کتاب چاپ آن بازماندم و کتاب سه سال در انتشارات ققنوس ماند. سرانجام بعد از سه سال بدون اینکه واقعاً مجالی برای بازبینی و دخل و تصرف در آن داشته باشم، با رفع بعضی از املات چاپی جزئی به چاپ آن رضایت دادم. فلذا متأسفانه اغلاطی به مطالب مهم و جدوای فنی آن راه یافت و بعضی از فصول و مطالب آن با همان صورت خام اولیه به زیر چاپ افتاد. اگرچه این نواقص چنان نبود که به ارزش کتاب لطمه‌ای بزنند، به علت اینکه به دنبال آن خودم از محیط دانشگاه دور افتادم، کتاب چنانکه باید و شاید در محافل دانشگاهی و در میان دانشجویان و علاقمندان این رشته معرفی نشد و نتوانست مکان شایسته خود را بدست آورد. با وجود این در طی این سالها از سوی بعضی از مؤلفین کتابهای عروض بعضی از مطالب آن مورد استفاده قرار گرفته است بدون اینکه زحمت آن را به خود بدهند که حتی در نهرت مآخذ خود نامی از آن ببرند. اکنون به حول و قوه الهی بعد از این مدت زمان نسبتاً طولانی با اضافات و اصلاحاتی که در آن صورت گرفته، در قالبی جدید و با تغییر عنوانی متناسب با این اضافات و اصلاحات، برای چاپ دوم آماده می‌شود و من الله التوفیق.

پیشگفتار: سخنی با مدرسین عروض

روش ما در تحقیق عروض فارسی و همچنین در تألیف کتاب حاضر و ارائه مباحث این دانش ادبی در کلاسهای درس بر چند اصل مشخص و روشن مبتنی است که در اینجا آن را به اختصار بیان و با روشهای رایج مقایسه می‌کنیم.

۱- دانش عروض تا جایی که ممکن است باید به علوم آواشناسی (فونتیک) و واجشناسی (فونوژی) و تحقیقات آماری تکیه کند و مباحث مختلف آن بر مبنای داده‌های این علوم با بویسی شود.

۲- روش آواشناسی و واجشناسی در هر جا که لازم باشد، باید به روش سنتی رجوع کند و با آن تلفیق یابد. مثلاً بعد از اینکه شعر با روش هجایی تقطیع شد، بهتر است که نظم موجود در آن با افعیل سنجیده شود. برای اینکه دانشجویان در این روش تقطیع مهارت و سرعت عمل پیدا کنند، لازم است که تقطیع هجایی اصول و ازاحیف مهم اجزاء عروضی را بدانند؛ مثلاً به محض دیدن آرایش هجایی «U — — —» (یک هجای کوتاه و سه هجای متوسط) بدانند که این آرایش هجایی معادل جزء «مفاعیلن» است یا آرایش هجایی «— U U —» جزء «مفاعیلن» را نشان می‌دهد.

۳- روش سنتی در درون خود نیز تا حد امکان باید ساده شود تا ساده کردن آن فقط در مواردی جایز است که بنا به نتایج بررسیهای آماری و داده‌های آواشناسی و تجارب عملی کلاس‌های درس، ضروری تشخیص داده شود، نه اینکه کسی به دلخواه خود و تنها از روی آروز و سلیقه شخصی آن را دستکاری کند؛ چرا که روش سنتی در عروض فارسی حاصل چند قرن تحقیقات ادبا و عروضیان دانشمند است و چندین نسل از شعرای بزرگ ما آن را آموخته و تجربه کرده‌اند و در نوع خود بسیار پخته و سنجیده است و بیشتر تصرفاتی که در سالهای اخیر در زیر عنوان نوآوری در آن صورت گرفته،

قطعاً در جهت تخریب و پیچیده‌تر ساختن آن پیش رفته است. از جمله این بدعتها و دستکاری‌های غیرلازم و نادرست می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف- به کار بردن تن تن یا ددن دن و غیره بجای افاعیل جافتاده و مانوس قدیم.
ب- پیشنهادهایی که باعث تکثیر اصطلاحات و گسترش زوائد این دانش ادبی شده است؛ مثلاً اینکه «فعولن» را اگر محذوف مفاعیلن باشد به صورت «مفاعی» و در صورتی که «مخبون مکشوف» از مفعولات باشد، به شکل «معولا» نشان دهیم و غیره. از همین مقوله است قرار دادن زحافات مهم در ردیف اصول اجزاء عروضی که کسانی پیش از آن را کرده‌اند. این قبیل افراد در این نکته تأمل نکرده‌اند که دسته‌بندی اوزان عروضی در زبان عنوان بحور و دوایر تنها یک نوع طبقه‌بندی و یک قرارداد است و گاهی یک وزن می‌توان به چند بحر مختلف نسبت داد و یا آن را به چند صورت متفاوت تنجیع و مگذاری کرد.

پ- یکسان ساختن برای عروضی در بحور و اوزان مختلف و بکار بردن یک جزء واحد و زحافات آن به جای اجزای متفاوت، چنانکه مثلاً همه اوزان، از جمله وزن رباعی را با جزء «مستفعل» تقطیع می‌کنند. این کار اگرچه به ظاهر تقطیع را آسانتر و مبث پیچیده و دشوار زحافات را تقریباً حذف می‌کند، باعث عدم انطباق وزن و موزون می‌گردد و هدف و غرض نهایی از آموختن و کار گرفتن دانش عروض را نقض می‌سازد. این قبیل افراد که به نظر خود خواسته‌اند عروض را صد در صد ریاضی و منطقی سازند و جنبه هنری و ذوقی آن را به کلی نادیده بگیرند، کارشان غیرعلمی و مخرب بوده است و ما در جای خود به تفصیل درباره آن توضیح خواهیم داد.

ت- جای دادن همه دگرگونی‌هایی که در زنجیره سخن موزون به ظهور می‌رسد، در زیر عنوان «اختیارات شاعری» و سپس تقسیم آن به اختیارات زبانی و وزنی. این کار مخدوش ساختن مفهوم و معنای اختیارات است، چرا که آن دسته از تغییرات آوایی که بطور طبیعی در اثر هم‌نشینی‌های واجی و آرایش‌هایی هجایی مختلف در زنجیره سخن به ظهور می‌رسند و همچنین تصرفات لفظی که شاعر بضرورت وزن به آن تن

درمی‌دهد، به هیچ وجه جزو اختیارات شاعری نیستند، با وجود این، بعضی از این قبیل پیشنهادات، برای تجدید نظر در مبحث اختیارات شاعری عروض سنتی مفید بوده است و در طی فصل‌های آینده بیشتر از آن سخن خواهیم گفت.

ث- حذف مبحث دایره‌ها از کتابهای آموزشی عروض دانشگاه‌ها یا قرار دادن آن در حاشیه. این کار عروض‌آموز را از یک روش طبقه‌بندی علمی که خود برای درک و به یاد سپردن بحور و اوزان بسیار مفید است، محروم می‌سازد. بهترین روش برای طبقه‌بندی بحور، همان دایره‌های سنتی است و ما مزایای این روش طبقه‌بندی را در فصل مربوط به دایره‌ها بطور بسوط بیان کرده‌ایم. بطور کلی طبقه‌بندی بحور به صورت دایره‌ها به عروض‌آموز کمک می‌کند که این دانش ادبی را در کلیت و چهارچوب آن یکجا به تصور درآورد و ارتباط میان انواع مختلف آن را درک کند.

ج- گسترش تعداد دایره‌ها به صورتی که زنده‌یاد دکتر خانلری پیشنهاد کرده‌اند. البته ایشان یک دلیل منطقی برای این تمایل نظر خود ارائه داده و گفته‌اند که اوزانی که در عربی در یک دایره قرار می‌گیرند، در فارسی با هم در یک شعر به کار بروند در صورتی که در فارسی چنین نیست. گفته‌ایشان درست است ولی اگر ما دایره را صرفاً به عنوان یک نوع طبقه‌بندی در نظر بگیریم، این اراد برطرف می‌شود؛ چرا که طبقه‌بندی بحور به صورت دایره‌های سنتی اساسی بسیار سنجیده و علمی دارد و بحوری که با هم در یک دایره قرار می‌گیرند، زنجیره‌هایشان از لحاظ تعداد و ترتیب هجاها یکسان است و یکی را می‌توان از دیگری استخراج کرد و تفاوتشان تنها در این است که نقطه آغاز آنها بر روی زنجیره مذکور فرق می‌کند.

۴- مقدمات آواشناسی که برای تبیین مبانی روش تقطیع هجایی و عروض علمی در کتابهای عروض آورده می‌شود، بهتر است که — دست کم در کتابهای دانشگاهی — بطور اصولی و با اصطلاحات خود زبان‌شناسان مطرح گردد نه اینکه به قصد ساده کردن مُثله شود. مثلاً بعضی از مؤلفین برای واجنگاری خط فارسی را به کار برده‌اند و همین در

عمل سبب بروز مشکلاتی برای عروض آموزان شده است. بعنوان نمونه این مشکلات به این نکته باید اشاره کرد که «ی» در واجنگاری کلماتی مانند «سی» و «سی و یک» یکسان نوشته می‌شود، در حالیکه این «ی» در کلمه «سی» نمایانگر مصوت بلند «i» و در کلمه «سی و یک» به جای دو واج (ey) آمده است. (e در اینجا برای نشان دادن صورت کوتاه شده مصوت i بکار رفته است.) پیداست که درک این نکته برای دانشجوی مبتدی زبان و ادبیات فارسی دشوار است. گذشته از این، مدت‌ها طول می‌کشد تا کسی خط فارسی را که به آن عادت کرده است، به صورتی غیر از صورت معمول آن بکار ببرد و در کار خود دچار لغزش نشود.

۵- اگرچه این لحاظ امتداد، تقسیم هجای فارسی به سه نوع درست است و نحوه عمل هجاها در زبان گنجانده و زبان شعر مطابق این تقسیم‌بندی است، تقسیم آن به چهار نوع هم که با توجه به آرایش و جی هجاها معمول می‌گردد، نادرست نیست و چنانکه طی فصول آتی خواهیم دید، برای تبیین بعضی از مباحث عروض به مراتب از تقسیم سه‌گانی مفیدتر است.